



SEE MORE JESUS • WANTTOSEEMORE.COM

کتاب مقدس درباره‌ی نیکی و بدی چه می‌گوید؟ — زندگی کردن بر پایه‌ی آن • آیات KJV با شماره‌های استراگ

زندگی کردن بر پایه آن • راه رفتن با خدا — خزیدن، راه رفتن، دویدن، به پایان رساندن

نیکی و بد — آموزه بنیادین کتاب مقدس

سخن آغازین

خوب و بد فقط چیزی برای دانستن نیست. راهی است برای پیمودن. کودک در یک روز راه رفتن را یاد نمی‌گیرد: نخست روی دست‌ها و زانوهایش می‌خزد؛ سپس پدرش دستانش را می‌گیرد و به او راه رفتن می‌آموزد؛ سپس تنها راه می‌رود؛ سپس رشد می‌کند و می‌دود. و آن‌که خوب می‌دود، در مسابقه‌ای می‌دود، و آن مسابقه پایانی دارد، و در پایان یا افتادن است یا رسیدن. در زبان کهن، دو واژه کوچک تمام این موضوع را در بر می‌گیرند: توب (H2896، نیک) و را (H7451، بد). در زبان نو چهار واژه است: آگاتوس (G18، نیک) و کالوس (G2570، نیک)؛ کاکوس (G2556، بد) و پونروس (G4190، بد — بدی که در آن اراده‌ای است). این مطالعه، خوب و بد را در سراسر راه رفتن انسان دنبال می‌کند: چگونه حواس نخست یاد می‌گیرند آن دو را از هم بازشناسند؛ چگونه انسان روز به روز در نیکی گام برمی‌دارد؛ چگونه این راه رفتن به مسابقه‌ای و حتی به جنگی بدل می‌شود، جنگی که علیه شریری حقیقی برپا می‌شود؛ و چگونه این راه به پایان می‌رسد — نه در گوری، بلکه در درخت حیاتی که گشوده ایستاده است، بی هیچ لغتی دیگر. آن را جستجو کنید.

سه سؤالی که این مطالعه به آنها پاسخ می‌دهد:

۱. انسان چگونه برای نخستین بار می‌آموزد که خوب را از بد تشخیص دهد، و این قوه تشخیص از کجا آغاز می‌شود؟
۲. شخص باید با آن قوه تشخیص، پس از آموختن آن، چه کند — چگونه آن روز به روز عملی می‌شود؟
۳. چگونه راه رفتن به دویدن مسابقه‌ای و جنگی علیه شرارت تبدیل می‌شود، و پایان آن چگونه است؟

واژگان کلیدی یونانی

“خوب” — **G18 agathos** — خوب در طبیعت و عملکرد خود، سودمند
هیچ‌کس نیکو نیست غیر از یکی، یعنی خدا، و نیکویی که شخص نشان می‌دهد از خزانه‌ای نیکو که پیشاپیش به او داده شده است، سرچشمه می‌گیرد

“خوب” — **G2570 kalos** — خوب — نمایان‌شده، شایسته‌ی دیده شدن
کارهای نیک را که دیگران می‌بینند، و پدر را به سبب آن جلال می‌دهند

“شر” — **G2556 kakos** — شرور، بد، بی‌ارزش، مضر
بدی به‌طور ساده — نه چیزی که باید تلافی شود، بلکه چیزی که باید با نیکی مغلوب گردد

“شر” — **G4190 poneros** — شریر، بدکار، مضر — شرارتی که در آن اراده وجود دارد

“غلبه کردن” — **G3528 nikao** — غلبه کردن، پیروز شدن
غلبه بر شرارت با نیکویی؛ به کسی که غالب شود، درخت حیات، تمام این راه در همین جا به پایان می‌رسد
“درخت” — **G3586 xylon** — چوب، درخت، عصا
درختی که او گماهان ما را بر آن حمل کرد و درخت حیات، یک کلمه‌ی واحد هستند
“تصدیق کردن” — **G1381 dokimazo** — برای آزمودن، برای امتحان کردن، به شیوه‌ای که فلز با آتش آزموده می‌شود
حس تعلیم‌دیده همه چیز را می‌آزماید پیش از آنکه به چیزی محکم بچسبد

کلیدواژه‌های عبری

“خوب” — **H2896 towb** — خوب، لذت‌بخش، پسندیده، خوش
حکم و داوری خود خدا درباره‌ی هر آنچه ساخت، که پیش از آنکه شرارت هرگز نامی داشته باشد، بیان شد
“شر” — **H7451 ra** — بد، شریر، بلا، شرارت
کلمه‌ای که اولین بار در درخت ممنوع نام برده شد — شرارتی که باید از آن دور شد
“دانستن” — **H3045 yada** — دانستن، درک کردن، تشخیص دادن
دانستن نیک و بد با برگزیدن نیک یکسان نیست
“انتخاب کردن” — **H977 bachar** — برگزیدن، انتخاب کردن
زندگی و نیکویی پیش روی تو گذاشته شده — پس زندگی را برگزین
“رد کردن” — **H3988 ma'as** — رد کردن، پس زدن، خوار شمردن
کودکی که می‌داند چگونه بدی را رد کند و نیکی را برگزیند
“انحراف یافتن” — **H5493 sur** — برای منحرف شدن، دور شدن
نریس خداوند به حرکت درآمد — از بدی دور شو، و نیکی بکن
“گوش دادن” — **H8085 shama** — شنیدن، گوش دادن، اطاعت کردن
هر که گوش دهد، ایمن ساکن خواهد شد و از ترس بلا آسوده خواهد بود
“توطئه‌چینی کردن” — **H2803 chashab** — برای فکر کردن، طراحی کردن، برنامه‌ریزی کردن
آنچه برای بدی تدبیر شده بود، خدا برای نیکی تدبیر کرد — همان واژه در هر دو سوی داستان یوسف
“ترس” — **H3372 yare** — برای ترسیدن، هراسیدن؛ برای احترام و بیم داشتن
نریس خداوند که از بدی روی می‌گرداند، نه ترسی که از خدا پنهان می‌شود

I. خزیدن — چگونه آن را بیابیم

(افکار شخصی من — هر راه‌رفتنی از پایین آغاز می‌شود، و این یکی از همان نقطه‌ی آغازین کتاب شروع می‌شود. پیش از آنکه شرارت نامیده شود، نیکویی از پیش گفته شده است — هفت بار در یک باب. تشخیص با چشیدن شرارت آغاز نمی‌شود؛ بلکه با چشیدن نیکویی‌ای که خدا از پیش نشان داده است آغاز می‌گردد. از پایین آغاز کن، از کوچک آغاز کن، و آغاز کن.)

A. پیدایش 1:4 و خدا روشنایی را دید که نیکوست و خدا روشنائی را از تاریکی جدا ساخت. [H2896 towb]

خدا نور را دید که نیکو است → خدا نور را از تاریکی جدا کرد.

B. پیدایش 1:31 و خدا هرچه ساخته بود، دید و همانا بسیار نیکو بود. و شام بود و صبح بود، روز ششم. [H2896 towb]

خدا هر آنچه ساخته بود را دید → و اینک، بسیار نیکو بود.

(افکار شخصی من — یافتن نیکویی از همین جا آغاز می‌شود: نه با قاعده‌ای که باید پیروی شود، بلکه با داوری خود شخصی درباره‌ی آنچه ساخته است. پیش از آنکه به انسان گفته شود نیکویی را برگزیند، خدا از پیش آن را نام نهاده، و آن را نیک نامیده است.)

C. مزامیر 34:8 بچشید و ببینید که خداوند نیکواست. خوشابحال شخصی که بدو توکل می‌دارد. [H2896 towb]

بچشید و ببینید که خداوند نیکواست → خوشابحال شخصی که بدو توکل می‌دارد.

D. مزامیر 119:68 تو نیکو هستی و نیکویی می‌کنی. فرایض خود را به من بیاموز. [H3190 yatab] [H2896 towb]

تو نیکو هستی + نیکویی می‌کنی → فرایض خود را به من بیاموز.

(افکار شخصی من — نیکویی تنها کلمه‌ای نیست که خدا می‌گوید؛ آن چیزی است که او هست، و آنچه او انجام می‌دهد. چشیدن اینکه خداوند نیکوست، آغاز راهی نازه برای داوری کردن هر آن چیز دیگری است که نیک یا بد نامیده می‌شود.)

E. **پیدایش 3:22** و خداوند خدا گفت: «همانا انسان مثل یکی از ما شده است، که عارف نیک و بد گردیده. اینک مبدا دست خود را دراز کند و از درخت حیات نیز گرفته بخورد، و تا به ابد زنده ماند.» [H3045 yada]

اینک آدم مثل یکی از ما شده است که عارف نیک و بد گردیده است -- مبدا دست خود را نیز دراز کرده، از درخت حیات نیز بگیرد.

(افکار شخصی من — دلیل این که این بصیرت باید اکنون آموخته شود و نه صرفاً از پیش موجود باشد، همین است. انسان معرفت نیک و بد را به میل خود و جدای از خدا برگزید، و معرفتی که به دست آورد بیش از آن بود که بتواند بر دوش گیرد. از آن روز، تشخیص درست نیک از بد باید دوباره یافته شود، نه این که از پیش پذیرفته شده انگاشته شود.)

F. **تثنیه 30:19** امروز آسمان وزمین را بر شما شاهد می آورم که حیات و موت و برکت و لعنت را پیش روی تو گذاشتم، پس حیات را برگزین تا تو با ذریت زنده بمانی. [H977 bachar]

حیات و موت پیش روی تو گذاشته شد → پس حیات را برگزین.

G. **اول پادشاهان 3:9** پس به بنده خود دل فہیم عطا فرما تا قوم تو را داوری نمایم و در میان نیک و بد تمیز کنم، زیرا کیست که این قوم عظیم تو را داوری توان نمود؟ [H7451 ra] [H2896 towb] [H995 bin]

قلبی فہیم -- تا میان نیک و بد تشخیص دهد.

(افکار شخصی من — سلیمان مدعی نبود که این قوه تمییز را از پیش دارد؛ او آن را از خدا خواست. یافتن تفاوت میان نیک و بد برای هر کس به همان شکل آغاز می شود؛ نه با اعتماد به قضاوت خویش، بلکه با یک درخواست.)

H. **اشعیا 7:15** کره و عسل خواهدخورد تا آنکه ترک کردن بدی و اختیار کردن خوبی را بداند. [H2896 towb] [H977 bachar] [H7451 ra] [H3988 ma'as] [H3045 yada]

شر را ترک کردن + نیکو را برگزیدن را بدانید.

I. **عبرانیان 5:12** زیرا که هرچند با این طول زمان شما را می باید معلمان باشید، باز محتاجید که کسی اصول و مبادی الهامات خدا را به شما بیاموزد و محتاج شیر شدید نه غذای قوی. (13) زیرا هر که شیرخواره باشد، در کلام عدالت ناآزموده است، چونکه طفل است.

شما محتاج شیر شدید نه غذای قوی → هر که شیرخواره است در کلام عدالت ناآزموده است زیرا که طفل است.

(افکار شخصی من — این نقطه آغازین هر انسان زنده است: نوزادی با شیر ناآزموده در تشخیص خوب از بد، و در این هیچ شرمی نیست. شرم تنها در ماندن در همان جا است. بصیرت یافت می شود، اما یک باره یافت نمی شود.)

J. **امثال 2:3** اگر فهم را دعوت می کردی و آواز خود را به فطانت بلندی نمودی، (4) اگر آن را مثل نقره می طلبیدی و مانند خزانه های مخفی جستجو می کردی، (5) آنگاه ترس خداوند را می فهمیدی، و معرفت خدا را حاصل می نمودی.

برای معرفت ندا کنی + آن را مثل خزانه های مخفی بطلبی -- معرفت خدا را خواهی یافت.

II. راه رفتن — با آن چه باید کرد پس از آنکه آن را داری

(افکار شخصی من — کودک اکنون بر پاهای خود ایستاده است، و راه رفتن یعنی تمرین روزانه ای این انتخاب، نه فقط یک بار. عهد عتیق این را رد کردن شر و برگردن نیکویی می نامد، بارها و بارها، در تصمیمات کوچک یک روز عادی. توجه کنید که همین جفت واژه چند بار تکرار می شود: از بدی دوری کن، و نیکویی به جا آور.)

A. **مزمیر 34:14** از بدی اجتناب نما و نیکویی بکن. صلح را طلب نما و در پی آن بکوش. [H2896 towb] [H7451 ra] [H5493 sur]

از بدی دور شو + نیکو کن → صلح را بجوی، و آن را دنبال کن.

B. **عاموس 5:14** نیکویی را بطلبید و نه بدی را تا زنده بمانید و بدین منوال یهوه خدای لشکرها با شما خواهدبود، چنانکه می گوید.

[H157 ahab] [H8130 sane] [H2421 chayah] [H7451 ra] [H2896 towb] [H1875 darash] (15) از

بدی نفرت کنید و نیکویی را دوست دارید و انصاف را در محکمه ثابت نمایید، شاید که یهوه خدای لشکرها بر بقیه یوسف رحمت نماید.

نیکویی را بطلبید، نه بدی را → از بدی نفرت کنید، و نیکویی را دوست دارید.

C. **امثال 3:7** خویشتن را حکیم مپندار، از خداوند بترس و از بدی اجتناب نما. [H7451 ra] [H5493 sur] [H3372 yare] [H2450 chakam]

در نظر خود حکیم مباش → از خداوند بترس + از بدی دور شو.

D. **امثال 8:13** ترس خداوند، مکروه داشتن بدی است. غرور و تکبر و راه بد و دهان دروغگو را مکروه می دارم. [H7451 ra] [H8130 sane]

ترس از خداوند = نفرت از شرارت.

(افکار شخصی من — راه رفتن در نیکویی یک تصمیم نیست؛ این ترس خداوند است که همان چیزها را روز از پی روز، در مکان های عادی، همچنان متنفر می شمارد: غرور، راه متکبرانه، دهان پر از تکبر. در این راه رفتن هیچ چیز نمایشی نیست. این حفظ کردن یک جهت است.)

E. **ایوب 28:28** و به انسان گفت: اینک ترس خداوند حکمت است، و از بدی اجتناب نمودن، فطانت می باشد. [H998 binah] [H7451 ra] [H5493 sur]

ترس از خداوند = حکمت + دوری از بدی = فهم.

F. اشعیا 1:16 خویشتن را شسته، طاهر نمایید و بدی اعمال خویش را از نظر من دور کرده، از شرارت دست بردارید. [H3190 yatab] اشعیا 23:16 [H2308 chadal] [H3925 lamad] [H7451 ra] (17) نیکوکاری را بیاموزید و انصاف را بطلبید. مظلومان را رهایی دهید. یتیمان را دادرسی کنید و بیوه‌زنان را حمایت نمایید.

خویشتن را بشوئید، خویشتن را طاهر سازید → از بدی کردن باز ایستید + نیکویی کردن را بیاموزید.

(افکار شخصی من — به این ترتیب توجه کنید: نخست شستشو، سپس باز ایستادن، سپس آموختن. راه رفتن تنها متوقف کردن شرارت نیست؛ بلکه آموختن مجموعه‌ای تازه از عادت‌های نیک است — دادرسی برای ستم‌دیده، توجه به یتیم و بیوه. راه رفتن دست و پا دارد، نه فقط ضمیری پاک.)

G. امثال 17:13 کسی که به عوض نیکویی بدی می‌کند بلا از خانه او دور نخواهد شد. [H2896 towb] [H7451 ra] هر که به عوض نیکویی، بدی جزا دهد → بلا از خانه او دور نخواهد شد.

H. تسالونیکیان 5:21 همه چیز را تحقیق کنید، و به آنچه نیکو است متمسک باشید. [G4190 poneros] [G1491 eidos] [G567 apecho] [G2570 kalos] [G2722 katecho] [G1381 dokimazo] (22) از هر نوع بدی احتراز نمایید. همه چیز را تحقیق کنید → و به آنچه نیکو است متمسک باشید + از هر نوع بدی احتراز نمایید.

(افکار شخصی من — «اثبات کردن» دوکیمازو (G1381، به معنای آزمودن) است، یعنی آزمودن چیزی به همان گونه که فلز با آتش آزمایش می‌شود. راه رفتن در نیکویی، آزمایشی روزانه است، نه یک تصمیم واحد: آن را بیازمای، سپس آن را نگاه دار، و حتی از آنچه صرفاً شبیه به بدی می‌نماید نیز دوری کن.)

I. متی 5:16 همچنین بگذارید نور شما بر مردم بتابد تا اعمال نیکوی شما را دیده، پدر شما را که در آسمان است تمجید نمایند. [G2041 ergon] [G2570 kalos]

بگذارید نور شما بدرخشد >-- کارهای نیک شما را ببینند + پدر شما را جلال دهند.

J. غلاطیان 6:9 لیکن از نیکوکاری خسته نشویم زیرا که در موسم آن درو خواهیم کرد اگر ملول نشویم. [G18 agathos] [G2570 kalos] (10) خلاصه بقدری که فرصت داریم با جمیع مردم احسان بنماییم، علی‌الخصوص با اهل بیت ایمان. از نیکوکاری خسته نشویم → پس مادامی که فرصت داریم، با همه مردم نیکویی کنیم.

K. رومیان 2:7 اما به آنانی که با صبر در اعمال نیکو طالب جلال و اکرام و بقایند، حیات جاودانی را؛ [G18 agathos] [G2556 kakos] (8) و اما به اهل تعصب که اطاعت راستی نمی‌کنند بلکه مطیع ناراستی می‌باشند، خشم و غضب (9) و عذاب و ضیق بر هر نفس بشری که مرتکب بدی می‌شود، اول بر یهود و پس بر یونانی؛ (10) لکن جلال و اکرام و سلامتی بر هر نیکوکار، نخست بر یهود و بر یونانی نیز. با صبر در کارهای نیک ثابت ماندن → جلال و کرامت و سلامتی، به هر کسی که نیکویی کار کند.

L. متی 19:17 وی را گفت: «از چه سبب مرا نیکو گفتی و حال آنکه کسی نیکو نیست، جز خدا فقط. لیکن اگر بخواهی داخل حیات شوی، احکام را نگاه دار.» [G18 agathos] هیچ‌کس نیکو نیست جز یکی = خدا.

(افکار شخصی من — راه رفتن در نیکویی هرگز به این فکر منتهی نمی‌شود که انسان منبع آن شده است. هیچ‌کس نیکو نیست مگر یکی، یعنی خود خدا. آنچه انسان در آن راه می‌رود، شخصی دیگر نخست آن را عطا کرده است.)

M. لوقا 6:45 آدم نیکو از خزینه خوب دل خود چیز نیکوبرمی‌آورد و شخص شریر از خزینه بد دل خویش چیز بد بیرون می‌آورد. زیرا که از زیادتی دل زبان سخن می‌گوید. [G4190 poneros] [G2344 thesauros] [G18 agathos] از گنجینه نیکوی دل خود → آنچه نیکوست + زیرا که از زیادتی دل، دهان سخن می‌گوید.

N. رومیان 7:19 زیرا آن نیکویی را که می‌خواهم نمی‌کنم، بلکه بدی را که نمی‌خواهم می‌کنم. [G2556 kakos] [G2570 kalos] [G2556 kakos] [G18 agathos] (20) پس چون آنچه را نمی‌خواهم می‌کنم، من دیگر فاعل آن نیستم بلکه گناه که در من ساکن است. (21) لهذا این شریعت را می‌یابم که وقتی که می‌خواهم نیکویی کنم بدی نزد من حاضر است. زیرا آن نیکویی را که می‌خواهم نمی‌کنم + لهذا این شریعت را می‌یابم که وقتی که می‌خواهم نیکویی کنم بدی نزد من حاضر است.

(افکار شخصی من — راه رفتن همیشه هموار نیست، حتی برای کسی که واقعاً می‌خواهد نیکی کند. پولس همین کشمکش را در خودش نام می‌برد. این راه رفتن آن برود را انکار نمی‌کند؛ بلکه با وجود آن، همچنان نیکی را برمی‌گزیند.)

O. امثال 1:33 اما هر که مرا بشنود در امنیت ساکن خواهد بود، و از ترس بلا مستریخ خواهد ماند. [H7451 ra] [H8085 shama] هر که گوش دهد = در امان ساکن خواهد شد + از خوف بلا مستریخ خواهد بود.

(افکار شخصی من — این وعده‌ای است که به هر کس که به این راه ادامه دهد داده می‌شود: زندگی‌ای آرام، امن، و به دور از همان ترسی که نخستین بار در باغ به دل انسان راه یافت.)

III. دویدن در میدان — آن را همچون سربازی در لشکر خدا تسلیم کن

(افکار شخصی من — اکنون این راه، جنگ می‌شود، و شرارت دیگر تنها یک انتخاب درون یک دل نیست؛ آن اراده‌ای و نامی در برابر خود دارد — آن شریر. یک سرباز با یک اندیشه نمی‌جنگد؛ او با یک دشمن می‌جنگد. تمام وجود خود را به خدا تسلیم کن، و بگذار نیکویی سلاح تو باشد.)

A. رومیان 6:13 واعضای خود را به گناه مسپارید تا آلات ناراستی شوند، بلکه خود را از مردگان زنده شده به خداتسلیم کنید و اعضای خود را تا آلات عدالت برای خدا باشند. [G3936 paristemi]

خویشتن را به خدا تسلیم کنید + اعضای خود را به عنوان آلات عدالت به خدا تسلیم کنید.

B. متی 6:13 و ما را در آزمایش میاور، بلکه از شریر ما راهی ده. [G4190 ponerros] [G4506 rhuomai] ما را در آزمایش میاور → بلکه ما را از شریر رهایی ده.

C. یوحنا 17:15 خواهش نمی کنم که ایشان را از جهان ببری، بلکه تا ایشان را از شریرنگاه داری. [G4190 ponerros] نه از دنیا بیرون بردن ایشان → بلکه محفوظداشتن ایشان از شر.

D. اول یوحنا 5:19 و می دانیم که از خدا هستیم و تمام دنیا درشریر خوابیده است. [G4190 ponerros] ما از خدای هستیم + تمام دنیا در شرارت خوابیده است.

E. متی 13:19 کسی که کلمه ملکوت را شنیده، آن را نفهمید، شریر می آید و آنچه در دل او کاشته شده است می رباید، همان است آنکه در راه کاشته شده است. [G4190 ponerros] [G2570 kalos] [G4190 ponerros] (20) و آنکه بر سنگلاخ ریخته شده، اوست که کلام را شنیده، فی الفور به خشنودی قبول می کند، (21) و لکن ریشه ای در خود ندارد، بلکه فانی است و هرگاه سختی یا صدمه ای به سبب کلام بر او وارد آید، در ساعت لغزش می خورد. (22) و آنکه در میان خارها ریخته شد، آن است که کلام را بشنود و اندیشه این جهان و غرور دولت، کلام را خفه کند و بی ثمر گردد. (23) و آنکه در زمین نیکو کاشته شد، آن است که کلام را شنیده، آن را می فهمد و بارآور شده، بعضی صد و بعضی شصت و بعضی سی ثمر می آورد. (24) و مثلی دیگر بجهت ایشان آورده، گفت: «ملکوت آسمان مردی را ماند که تخم نیکو در زمین خود کاشت: (25) و چون مردم در خواب بودند دشمنش آمده، در میان گندم، کرکاس ریخته، برفت. (26) و وقتی که گندم روید و خوشه برآورد، کرکاس نیز ظاهر شد. (27) پس نوکران صاحب خانه آمده، به وی عرض کردند: «ای آقامگر تخم نیکو در زمین خویش نکاشته ای؟ پس از کجا کرکاس بهم رسانیدی؟» (28) ایشان را فرمود: «این کار دشمن است.» عرض کردند: «آیامی خواهی برویم آنها را جمع کنیم؟» (29) فرمود: «نی، مبدا وقت جمع کردن کرکاس، گندم را با آنها برکنید. (30) بگذارید که هر دو تا وقت حصاد باهم نمو کنند و در موسم حصاد، دروگران را خواهم گفت که اول کرکاسها را جمع کرده، آنها را برای سوختن بافه ها ببندید اما گندم را در انبار من ذخیره کنید.» مثل دانه خردل (31) بار دیگر مثلی برای ایشان زده، گفت: «ملکوت آسمان مثل دانه خردلی است که شخصی گرفته، در مزرعه خویش کاشت. (32) و هرچند از سایر دانه ها کوچکتر است، ولی چون نمو کند بزرگترین بقول است و درختی می شود چنانکه مرغان هوا آمده در شاخه هایش آشیانه می گیرند.» (33) و مثلی دیگر برای ایشان گفت که ملکوت آسمان خمیرمایه ای را ماند که زنی آن را گرفته، در سه کیل خمیر پنهان کرد تا تمام، مخمر گشت. (34) همه این معانی را عیسی با آن گروه به مثلها گفت و بدون مثل بدیشان هیچ نگفت، (35) تا تمام گردد کلامی که به زبان نبی گفته شد: «دهان خود را به مثلها باز می کنم و به چیزهای مخفی شده از بنای عالم تنطق خواهم کرد.» (36) آنگاه عیسی آن گروه را مرخص کرده، داخل خانه گشت و شاگردانش نزد وی آمده، گفتند: «مثل کرکاس مزرعه را بجهت ما شرح فرما.» (37) در جواب ایشان گفت: «آنکه بذر نیکومی کرد پسر انسان است، (38) و مزرعه، این جهان است و تخم نیکو ابنا ملکوت و کرکاسها، پسران شریرند.

سپس شریر می آید → بذر نیکو = فرزندان ملکوت + زنانها = فرزندان شریر.

(افکار شخصی من — دشمن در این جنگ نامی و راهبردی دارد: آن شریر، پونروس (G4190)، شریر، با اراده ای در آن). او تنها وسوسه نمی کند؛ بلکه می رباید، و در همان مزرعه ای که دانه نیکو در آن می روید، تقلبی ها می کارد. دویدن در این میدان مسابقه به معنای هوشیار ماندن نسبت به چیزی فراتر از دل خود نیز هست.)

F. متی 6:22 «چراغ بدن چشم است؛ پس هرگاه چشمت بسیط باشد تمام بدنت روشن بود؛ [G4190 ponerros] [G573 haplous] (23) اما اگر چشم تو فاسد است، تمام جسدت تاریک می باشد. پس اگر نوری که در تو است ظلمت باشد، چه ظلمت عظیمی است!

چشم تو بسیط → تمام بدنت پر از نور + چشم تو فاسد → پر از تاریکی.

G. متی 12:35 مرد نیکو از خزانه نیکوی دل خود، چیزهای خوب برمی آورد و مرد بد از خزانه بد، چیزهای بد بیرون می آورد. [G4190 ponerros] [G2344 thesauros] [G18 agathos]

انسان نیک از خزانه نیک → چیزهای نیک + انسان بد از خزانه بد → چیزهای بد.

H. افسسیان 6:16 و بر روی این همه سپرایمان را بکشید که به آن بتوانید تمامی تیرهای آتشین شریر را خاموش کنید. [G4190 ponerros]

سپر ایمان → تمامی تیرهای آتشین شریر را خاموش کن.

I. اول یوحنا 2:14 ای پدران، به شما نوشتم زیرا او را که ازابتداست می شناسید. ای جوانان، به شما نوشتم از آن جهت که توانا هستید و کلام خدا در شما ساکن است و بر شریر غلبه یافته اید. [G4190 ponerros] [G3528 nikao]

شما توانا هستید + کلام خدا در شما ساکن است → شما شریر را غالب شده اید.

(افکار شخصی من — سپر و کلام یک کار را از دو سو انجام می دهند: سپر آنچه به سوی تو پرتاب می شود را متوقف می کند، و کلام که در تو ساکن است همان چیزی است که انسان را به قدری قوی می سازد که بتواند از ابتدا آن سپر را نگه دارد. در این جنگ، هیچ یک از این دو اختیاری نیست.)

J. کارهای رسولان 10:38 یعنی عیسی ناصری را که خدا او را چگونه به روح القدس و قوت مسح نمود که او سیر کرده، اعمال نیکو به جا می آورد و همه مَقهورین ابلیس را شفا می بخشید زیرا خدا با وی می بود. [G3586 xylon] [G1228 diabolos]

[G2616 katadynasteuo] [G2390 iaomai] [G2109 euergeteo] (39) و ما شاهد هستیم بر جمیع کارهایی که او در مرزوبوم یهود و در اورشلیم کرد که او را نیز بر صلیب کشیده، کشتند.

در همه جا سیر می‌کرد و اعمال نیکو به عمل می‌آورد و همه کسانی را که از ابلیس مظلوم شده بودند شفا می‌داد → که او را کشتند و بر دار آویختند.

K. لوقا 23:41 و اما ما به انصاف، چونکه جزای اعمال خود را یافته‌ایم، لیکن این شخص هیچ کار بی‌جا نکرده است. [G824 atopos] و اما ما به انصاف + لیکن این شخص هیچ کار بی‌جا نکرده است.

L. اول پطرس 2:23 چون او را دشنام می‌دادند، دشنام پس نمی‌داد و چون عذاب می‌کشید تهدید نمی‌نمود، بلکه خویشتن را به داور عادل تسلیم کرد.

چون او را دشنام می‌دادند → بلکه خویشتن را به داور عادل تسلیم کرد.

(افکار شخصی من — این همان چیزی است که دوییدن میدان مبارزه هنگامی که نبرد شخصی می‌شود به آن شکل می‌گیرد: نه سکونی از سرِ ضعف، بلکه سپردن عمدی تمام ماجرا به آن که به‌درستی داوری می‌کند. این سلحشوری است، نه تسلیم.)

M. متی 5:44 اما من به شما می‌گویم که دشمنان خود را محبت نمایند و برای لعن کنندگان خود برکت بطلبید و به آنانی که از شما نفرت کنند، احسان کنید و به هرکه به شما فحش دهد و جفا رساند، دعای خیر کنید، [G18 agathos] [G4190 ponerous] [G2570 kalos] (45) تا پدر خود را که در آسمان است پسران شوید، زیرا که آفتاب خود را بر بدن و نیکان طالع می‌سازد و باران بر عادلان و ظالمان می‌باراند. دشمنان خود را محبت نمایند + به آنانی که از شما نفرت دارند نیکویی کنید → او آفتاب خود را بر بدن و نیکان طالع می‌سازد.

N. اول پطرس 3:9 و بدی بعوض بدی و دشنام بعوض دشنام مدهید، بلکه برعکس برکت بطلبید زیرا که می‌دانید برای این خوانده شده‌اید تا وارث برکت شوید. [G2556 kakos] [G18 agathos] [G2556 kakos] (10) زیرا «هرکه می‌خواهد حیات را دوست دارد و ایام نیکو بیند، زبان خود را از بدی و لب‌های خود را از فریب گفتن باز بدارد؛

شریر را با شیریر پاسخ ندادن ← برخلاف آن برکت دادن ← زندگی را دوست داشتن و روزهای نیکو دیدن.

O. پیدایش 50:20 شما درباره من بد اندیشیدید، لیکن خدا از آن قصد نیکی کرد، تا کاری کند که قوم کثیری را احیا نماید، چنانکه امروز شده است. [H2896 towb] [H2803 chashab] [H7451 ra] [H2803 chashab]

شما بر ضد من بدی اندیشیدید + خدا آن را برای نیکویی قصد نمود → تا قوم بسیاری را زنده نگاه دارد.

(افکار شخصی من — chashab (H2803، اندیشیدن، تدبیر کردن) دقیقاً همان واژه‌ای است که در هر دو سوی این آیه به کار رفته: آنچه آنها تدبیر کردند، خدا تدبیر کرد. دوییدن خوب در این میدان به این معنا نیست که هرگز شرارتی به سوی تو پرتاب نمی‌شود. به این معناست که اعتماد کنی به همان خدایی که گذاشت برادران یوسف چنین عمل کنند، می‌تواند حتی آن شرارت را برای نجات جان‌های بسیار به کار گیرد.)

P. رومیان 8:28 و می‌دانیم که بجهت آنانی که خدا رادوست می‌دارند و بحسب اراده او خوانده شده‌اند، همه چیزها برای خیریت (ایشان) با هم در کار می‌باشند. [G18 agathos]

همه چیزها برای خیریت آنانی که خدا را دوست می‌دارند، با هم در کار است.

Q. رومیان 12:21 مغلوب بدی مشو بلکه بدی را به نیکویی مغلوب ساز. [G18 agathos] [G3528 nikao] [G2556 kakos] [G3528 nikao]

مغلوب شرارت مشو → بلکه شرارت را با نیکویی مغلوب ساز.

(افکار شخصی من — این یک فرمان است که تمام این مسابقه را خلاصه می‌کند: نه صرفاً بقا یافتن از شرارت، بلکه غالب شدن بر آن، و سلاحی که نام برده شده نیکویی است. نیکانو (G3528، غالب شدن) کلمه‌ای نظامی است — پیروز شدن، میدان را بردن. نیکویی در این جنگ منفعل نیست. آن حمله می‌کند.)

IV. خط پایان — نیکی و بدی، و کلام، تا ابد باقی می‌ماند

(افکار شخصی من — هر مسابقه‌ای پایان می‌یابد، و این یکی نه در گور پایان می‌یابد، و نه تنها در داوری. این در درختی پایان می‌یابد که گشوده ایستاده است، و وعده‌ای که محو نمی‌شود. آن که غالب آید، از آن می‌خورد.)

A. اول یوحنا 3:8 و کسی که گناه می‌کند از ابلیس است زیرا که ابلیس از ابتدا گناهکار بوده است. و از این جهت پسر خدا ظاهر شد تا اعمال ابلیس را باطل سازد. [G1228 diabolos] [G3089 luo]

PSD پسر خدا ظاهر شد → تا اعمال ابلیس را باطل سازد.

B. تیموتاوس 3:12 و همه کسانی که می‌خواهند در مسیح عیسی به دینداری زیست کنند، زحمت خواهند کشید.

و همه کسانی که می‌خواهند در مسیح عیسی به دینداری زیست کنند → زحمت خواهند کشید.

(افکار شخصی من — خط پایان وانمود نمی‌کند که مسابقه آسان بوده است. نیکی کردن در دنیایی که هنوز قادر به شرارت است، بهای واقعی به همراه دارد. این آیه اینجا قرار دارد تا پایان هرگز چنان خوانده نشود که گویی این نبرد هیچ هزینه‌ای نداشته است.)

C. اول پطرس 2:24 که خود گناهان ما را در بدن خویش بردار متحمل شد تا از گناه مرده شده، به عدالت زیست نماییم که به ضرب‌های او شفا یافته‌اید. [G3586 xylon] [G399 anaphero]

خود گناهان ما را در بدن خویش بردار متحمل شد → از گناه مرده شده، به عدالت زیست نماییم.

D. مکاشفه یوحنا 2:10 از آن زحماتی که خواهی کشید مترس. اینک ابلیس بعضی از شما را در زندان خواهد انداخت تا تجربه کرده شوید و مدت ده روز زحمت خواهید کشید. لکن تا به مرگ امین باش تا تاج حیات را به تو دهم. [■ G4735 stephanos] **تا مرگ امین باش → تاجی از حیات به تو خواهیم داد.**

E. مزامیر 119:160 جمله کلام تو راستی است و تمامی داوری عدالت تو تا ابدالاباد است. [■ H5975 amad] **کلام تو از ابتدا حق است → و هر یک از داوری‌های عادلانه تو تا ابد پایدار است.**

(افکار شخصی من — نیک و بد از همان ابتدای کتاب نام‌گذاری شده‌اند، و این آیه می‌گوید کلامی که آنها را نام نهاد از ابتدا حق است، و داوری‌های آن منقضی نمی‌شوند. آنچه خدا در پیدایش ۱ نیکو نامید، هنوز نیز نیکو می‌نامد.)

F. مکاشفه یوحنا 2:7 «آنکه گوش دارد بشنود که روح به کلیسایچه می‌گوید: هرکه غالب آید، به او این را خواهیم بخشید که از درخت حیاتی که در وسط فردوس خداست بخورد. [■ G3857 paradeisos] [■ G2222 zoe] [■ G3586 xylon] [■ G5315 phago] [■ G3528 nikao]

به آن کس که غالب آید → از درخت حیات که در وسط فردوس خدا است خواهیم داد که بخورد.

G. مکاشفه یوحنا 21:4 و خدا هر اشکی از چشمان ایشان پاک خواهد کرد. و بعد از آن موت نخواهد بود و ماتم و ناله و درد دیگر رو نخواهد نمود زیرا که چیزهای اول درگذشت. [■ G2288 thanatos] **دیگر موت نخواهد بود و ماتم نخواهد بود → چیزهای اول درگذشته است.**

H. مکاشفه یوحنا 21:7 و هرکه غالب آید، وارث همه چیز خواهد شد، و او را خدا خواهیم بود و او مرا پسر خواهد بود. [■ G3528 nikao] **و هرکه غالب آید، وارث همه چیز خواهد شد + وارث همه چیز خواهد شد.**

I. مکاشفه یوحنا 22:1 و نهری از آب حیات به من نشان داد که درخشنده بود، مانند بلور و از تخت خدا و بره جاری می‌شود.

[■ G2652 katanathema] [■ G1484 ethnos] [■ G2322 therapeia] [■ G3586 xylon] [■ G2222 zoe]

[■ G4215 potamos] (2) و در وسط شارع عام آن و بر هر دو کناره نهر، درخت حیات را که دوازده میوه می‌آورد یعنی هر ماه میوه خود رامی دهد؛ و برگهای آن درخت برای شفای امت هاست باشد. (3) و دیگر هیچ لعنت نخواهد بود و تخت خدا و بره در آن خواهد بود و بندگان او را عبادت خواهند نمود.

نهری پاک از آب حیات + درخت حیات، برگ‌ها برای شفای امت‌ها → دیگر لعنتی نخواهد بود.

(افکار شخصی من — آنچه در یک درخت در پیدایش بسته شد، اینجا در درخت دیگری گشوده می‌شود، و تفاوت کامل است: دیگر هیچ لعنتی نیست. خط پایانی این مطالعه به طور کامل، جایی نیست که شرارت صرفاً مدیریت شده باشد. جایی است که شرارت سرانجام، به طور کامل، از میان رفته است.)

J. مکاشفه یوحنا 22:14 خوشبحال آنانی که رختهای خود رامی شویند تا بر درخت حیات اقتدار یابند و به دروازه های شهر درآیند، [■ G3586 xylon]

خوشا به حال آنانی که احکام او را به عمل می‌آورند → حق بر درخت حیات + از درها به شهر داخل شوند.

K. مزامیر 23:6 هرآینه نیکویی و رحمت تمام ایام عمرم در پی من خواهد بود. و در خانه خداوند ساکن خواهیم بود تا ابدالاباد. [■ H2896 towb]

نیکویی و رحمت مرا تعقیب خواهد کرد → در خانه خداوند تا ابدالاباد ساکن خواهیم بود.

L. یعقوب 1:17 هر بخشندگی نیکو و هر بخشش کامل از بالا است و نازل می‌شود از پدر نورها که نزد او هیچ تبدیل و سایه گردش نیست. [■ G18 agathos]

هر بخشش نیکو و هر بخشش کامل = از بالا، از پدر نورهاست.

(افکار شخصی من — کل این راه با نیکویی خود خدا آغاز شد — او دید که نیکو است — و به همان گونه پایان می‌یابد: هر بخشش نیکو از او، پدر نورها که تغییری در او نیست، فرو می‌آید. نیکویی از آغاز از او بود، و بی‌پایان از او خواهد بود.)

دهان دو گواه — از بدی نفرت کن، خوبی را دوست بدار

مزامیر 97:10 ای شما که خداوند را دوست می‌دارید، از بدی نفرت کنید! او حافظ جانهای مقدسان خوداست. ایشان را از دست شریران می‌رهاند. [■ H8104 shamar] [■ H7451 ra] [■ H8130 sane] [■ H157 ahab]

ای شما که خداوند را دوست می‌دارید، از بدی نفرت کنید → او جان‌های مقدسان خود را حفظ می‌نماید.

رومیان 12:9 محبت بی‌ریا باشد. از بدی نفرت کنید و به نیکویی بپیوندید. [■ G2853 kollao] [■ G18 agathos]

[■ G4190 poneros] [■ G655 apostygeo] [■ G505 anypokritos] [■ G26 agape]

از بدی نفرت کنید و به نیکی بپیوندید.

دوم قرنتیان 13:1 این مرتبه سوم نزد شما می‌آیم. به گواهی دو سه شاهد، هر سخن ثابت خواهد شد. [■ G3144 martus] **به گواهی دو سه شاهد، هر سخن ثابت خواهد شد.**

(افکار شخصی من — یک مزمور و یک رساله، یک عهد کهن و یک عهد نو، و یک صدا میان آنها: از بدی نفرت داشته باشید و به نیکی سخت بچسبید. به گفته دو یا سه شاهد، این سخن فراتر از هر تردیدی استوار می‌گردد.)

سایه و تحقق

Shadow تثنيه 21:22 و اگر کسی گناهی را که مستلزم موت است، کرده باشد و کشته شود، و او را به دارکشیده باشی، **[H7045 qelalah] [H6086 ets]** (23) بدنش در شب بر دار نماند. او را البته در همان روز دفن کن، زیرا آنکه بر دار آویخته شود ملعون خدا است تا زمینی را که یهوه، خدایت، تو را به ملکیت می‌دهد، نجس نسازی.

آنکه بر دار آویخته شده باشد، ملعون خداست.

Fulfillment غلاطیان 3:13 مسیح، ما را از لعنت شریعت فدا کرد چونکه در راه ما لعنت شد، چنانکه مکتوب است «ملعون است هر که بر دار آویخته شود.» **[G3586 xylon] [G2671 katar]**

مسیح ما را فدیۀ داده → برای ما لعنت شده → ملعون است هر کسی که بر دار آویخته شود.

(افکار شخصی من — شریعت آن درخت را مکان لعنت نامید. مسیح از آن درخت اجتناب نکرد؛ او بر آن به دار آویخته شد و خود لعنت گردید، تا لعنت در آنجا پایان یابد و دیگر گسترش نیابد. درختی که زمانی تنها معنایش داوری بود، در او به دروازه‌ی درخت حیات بدل شد.)

بستن

اول یوحنا 2:17 و دنیا و شهوات آن در گذراست لکن کسی که به اراده خدا عمل می‌کند، تا به ابد باقی می‌ماند.

دنیا در گذر است → اما آنکه اراده خدا را به جا آورد، تا ابد باقی می‌ماند.

رومیان 16:20 و خدای سلامتی بزودی شیطان را زیر پایهای شما خواهد سایید. فیض خداوند ما عیسی مسیح با شما باد.

و خدای سلامتی بزودی شیطان را زیر پایهای شما خواهد سایید → فیض خداوند ما عیسی مسیح با شما باد.

(افکار شخصی من — تمام این راه را در یک خط گرد می‌آورم. از پایین آغاز شد: نیکویی خود خدا، که پیش از آن که شرارت نامی داشته باشد بر آفرینش گفته شد، و دلی که می‌بایست بیاموزد، و بپرسد، و انتخاب کند. به یک راه رفتن روزانه رشد کرد: از بدی دوری کردن، نیکویی به جا آوردن، و در آن پایدار ماندن، در مکان‌های معمولی، روز از پی روز. به مسابقه‌ای و جنگی بدل شد: شریری واقعی که باید در برابرش ایستادگی کرد، سپری که باید پرافراشت، و آن فرمانی به مراتب دشوارتر که به بدی با نیکویی پاسخ داده شود، نه با بدی بیشتر. و در همان جا به پایان می‌رسد که هر خزیدن و هر راه رفتن و هر مسابقه‌ای همواره به سوی آن روان بود — نزد درختی، که گشوده ایستاده، دیگر بدون هیچ لعنتی، برای هر که غالب آید. جهان و شرارتش در گذرند. آنچه بر انجام دادن اراده‌ی خدا بنا شده، با آن نمی‌گذرد.)

آزمون تمرینی

1. پیدایش ۱:۳۱ — و خدا هر چه ساخته بود، دید و همانا:

الف) خبر و شر با هم

ب) بسیار نیکو

ج) فقط دائماً شرارت

2. مزمور ۳۴:۸ — بجشید و ببینید که خداوند:

الف) رحیم

ب) نیکو

ج) امین (وفادار)

۳. اول پادشاهان ۳:۹ — پس به بنده خود دل فہیم عطا فرما تا قوم تو را داوری نمایم و در میان:

الف) افکار دل

ب) نیک و بد

ج) یتیم و بیوه

4. رومیان ۱۲:۲۱ — مغلوب بدی مشو بلکه:

الف) بدی را با بدی جواب ندهید

ب) بدی را به نیکویی مغلوب ساز

ج) از آنچه شریر است، بیزار باشید

5. پیدایش ۵۰:۲۰ — شما درباره من بد اندیشیدید، لیکن خدا از آن قصد نیکی کرد، تا کاری کند که:

الف) شرارت را با شرارت پاداش دهیم

ب) رهانیدن ایشان از دست شریران

ج) تا قوم کثیری را احیا نماید

6. اول یوحنا ۲:۱۴ — به شما نوشتم، ای جوانان، از آن جهت که توانا هستید و کلام خدا در شما ساکن است و:

الف) کسی را که از ابتدا بوده است، شناخته باشیم

ب) بر شریر غلبه یافته‌اید
C) روح القدس را دریافت کرد

7. مکاشفه ۲۱:۷ — و هرکه غالب آید، وارث همه چیز خواهد شد، و او را خدا خواهیم بود و:

الف) او پسر من خواهد بود
ب) من تمام اشک‌ها را از چشمانش پاک خواهم کرد
ج) او تا ابدالآباد سلطنت خواهد کرد

پاسخ‌نامه: 1-ب، 2-ب، 3-ب، 4-ب، 5-ج، 6-ب، 7-الف

چگونگی انشعاب این مطالعه

→ چگونه سایه، نور به ارمغان می‌آورد: درختی که زیر شریعت ملعون خوانده شده (تثنیه ۲۱:۲۲-۲۳) همان نوع درختی است که مسیح بر آن به دار آویخته شد و برای ما لعنت گردید (غلاطیان ۳:۱۳) — و درخت حیات در آن سوی آن گشوده ایستاده است (مکاشفه ۲۲:۲).

→ اینکه عهد جدید چگونه آن را شرح می‌دهد: آنچه در همان درخت نخستین فرمان داده شد — از هر درختی آزادانه بخور، به جز یکی — در درخت آخرین، به دعوتی گشوده بدل می‌شود: به آن کس که غالب آید، خواهیم داد که از درخت حیات بخورد (پیدایش ۱۶:۲-۱۷ → مکاشفه ۲:۷).

→ اهمیت واژه‌ها چیست: AGATHOS (G18, GOOD) و KALOS (G2570, GOOD) آن چیزی را نام می‌برند که فی‌نفسه نیکوست و آنگاه که آشکار می‌شود نیز نیکوست؛ KAKOS (G2556, EVIL) و PONEROS (G4190, EVIL) آن چیزی را نام می‌برند که بی‌ارزش است و آنچه اراده‌ای خمیده به سوی آسیب‌رساندن دارد — مشخص کنید کدام واژه در کدام آیه به کار رفته است، و چرا.

این چگونه در مورد شما صدق می‌کند: همه چیز را تحقیق کنید و آنچه نیکو است محکم نگاه دارید (اول تسالونیکیان ۵:۲۱). از بدی اجتناب کن و نیکویی به عمل آور (مزمور ۳۴:۱۴). حواس با استعمال ورزیده می‌شود، نه با آرزو کردن (عبرانیان ۵:۱۴).

این برای ابدیت چه معنایی دارد: آنچه در یک درخت از دست رفت، در درخت دیگری بازگردانیده می‌شود — به هر که غالب آید، از درخت حیات خوردن به او خواهیم داد (مکاشفه ۲:۷)، و دیگر لعنتی نخواهد بود (مکاشفه ۲۲:۳).

جاده فرعی: یوسف تصویری از پسر است، برادری که در شرارت فروخته شد و از سوی خدا فرستاده شد تا جان‌ها را نجات دهد (پیدایش ۵:۴۵-۸: اعمال ۷:۹-۱۰) — پی بگیرد که چگونه خدا آنچه را که در حق او به عنوان شرارت قصد شده بود، به نیکویی بدل ساخت.

مکاشفه‌ای محتمل: CHASHAB (H2803، به معنای اندیشیدن، تدبیر کردن) همان واژه‌ای است که در هر دو سوی پیدایش ۲۰:۵ به کار رفته — آنچه برادران تدبیر کردند، همان چیزی بود که خدا تدبیر کرد. [آیات کنار هم گذاشته شده‌اند — هیچ آیه‌ی واحدی به‌تنهایی این را نمی‌گوید] همان شرارتی که با اراده‌ای طرح‌ریزی شده بود، توسط اراده‌ای بزرگ‌تر مغلوب و بازگردانده شد، بی‌آنکه قصد هیچ‌یک از دو طرف انکار شود.

برای نجات یافتن چه باید بکنی؟

به مطالعه کتاب مقدس ما نگاه کنید — «برای نجات یافتن چه باید بکنم»

SOURCES & CREDITS

.Scripture: Old Persion Version Bible (Public Domain) — a redistributable edition, looked up exactly and never machine-translated

.Alternate chapter/verse numbering reconciled with STEP Bible TVTMS (CC BY 4.0).

Strong's numbering & original-language data: OpenScriptures Hebrew Bible (CC BY 4.0); STEP Bible.org — TAHOT/TAGNT/TBESH/TBESG (CC BY 4.0);

.Robinson-Pierpont Byzantine Majority Text (Public Domain); Strong's dictionary, 1890 (Public Domain)

.Typography: Google Noto fonts (SIL Open Font License 1.1)

.SEE MORE JESUS · wanttoseemore.com — shared under Creative Commons Attribution 4.0 (CC BY 4.0) ©